

# به هم ریختن اعصاب سرمایه‌داری در یونان

## هادی اعلمی فریمان

**اندیشکده روابط بین الملل:** این روزها ادبیات توسعه سیاسی و منازعه بین سوسیالیست‌های قدیمی و جدید و طرفداران سرمایه‌داری، پر شدت و رو به گسترش است و ابتدایش از زمانی شروع شده که بحران در اردوگاه سرمایه‌داری سایه افکنده و وال‌استریت را به وحشت و تکاپو. از زوال و فراز و فرود سوسیالیسم از مارکس تا لنین و استالین و احتمال شکوفایی مجدد آن تا بحران در ذات سرمایه‌داری و شکست دولت بازار تا ناتوانی دموکراسی در پیشبرد پروژه اقتصاد و ایجاد طبقه برتر ثروتمندی که نباید باشد، بسیار سخن می‌رود. طرفداران دموکراسی و سوسیالیسم هر یک با استدلال از موفقیت‌ها و شکست‌ها سعی دارند تا با نقبی به تاریخ گذشته علل و عوامل کاستی‌ها را بازشناسی کنند و ایجاد هر بحران خارج از عرف مثل کشتار در نروژ یا تظاهرات در وال‌استریت و حمله مردم طبقه متوسط به فرادستان، حامیان دموکراسی‌ها را عصبانی می‌کند. برخی اوقات که حوادثی خارج از محیط و قلمرو سرمایه‌داری روی می‌دهد، معادلات برنامه‌ریزی توسعه را برهم می‌زند. البته بخشی از کارشناسان توسعه هم همه این تحولات را بی‌ربط به دموکراسی می‌دانند و آن را نتیجه عملکرد غلط کارگزاران قلمداد می‌کنند. یکی از جاهایی که اعصاب سرمایه‌داری را به هم ریخته یونان است که حالا منازعه حیاتی بین دولت به‌عنوان طرفدار طرح ریاضت اقتصادی و مردم به‌عنوان کسانی که استدلال می‌کنند نقشی در ورشکستگی مالی کشورشان ندارند، آغاز شده است.

نآرامی و شورش‌های سراسری اقشار مختلف مردم یونان از دانش‌آموزانی که به نشانه اعتراض سی‌دی‌های درسی خود را با خشم و اعتراض از نبودن معلم به سمت پلیس پرت کردند تا دانشجویانی که در حمله‌ای غافلگیرانه شبکه تلویزیونی در آتن را اشغال کردند و رانندگان تاکسی و حالا تمام مردم کشور که پیگیر قوانین کار و مخالف لایحه ریاضت اقتصادی هستند، همگی جزو ۹۰ درصدی‌اند که امروز دیگر هیچ‌امیدی به بهبود وضعیت اقتصاد یونان ندارند و ۱۰ درصد باقی‌مانده هم حتماً از طبقه مرفه و فرادست و مرفه‌ی هستند که مشمول دلارهای صندوق بین‌المللی پول شده یا از قبل مرفه بوده‌اند. این فضایی است که سرمایه‌داری هژمون در یونان ایجاد کرده، اما دستاوردهای آن، رقم بسیار کلان بدهی، نرخ بیکاری گسترده

و در حال گسترش، ورشکستگی و فقر خانوارها و ناچیز بودن رشد اقتصادی است. در این فضا اعصاب دموکراسی و سرمایه‌داری با هم به هم می‌ریزد، وفق تئوری ثبات هژمونی، هژمون، سیستم اتحادیه اروپاست و مرکب از کشورهای قدرتمند حوزه یورو که آلمان پیشتاز آن است، اما با به هم ریختن اوضاع که جایگزینی هم برایش متصور نیست، حتی سوسیالیست‌ها هم نخواهند توانست وضع را بهبود بخشند و به‌علاوه زمره‌هایی کوتاه و کوچک اما هشداردهنده که چرا دیگر کشورهای قوی باید بار بدهی یونان را به دوش بکشند، طنین‌انداز می‌شود. این زمره‌ها زمانی به حاشیه رفته بوده‌اند تا اتحادیه اروپا توانسته اوج بگیرد و اکنون هر زمان احتمال دارد از حاشیه به درآیند و بر ساختار اتحادیه اروپا تاثیر منفی بگذارند. همیشه سناریوهای گرسنگی و ریاضت‌های اقتصادی شدید است که خارج از عرف رایج معادلات توسعه خطی یا ترکیبی را مختل می‌کند. اکنون یونان با طرح گسترده ریاضتی که سطح آن به اخراج معلمان و اساتید دانشگاه رسیده و موجب کاهش حقوق و مزایای کارکنان و گسترده شدن حوزه اخذ مالیات بر مبنای متر مربع منازل مسکونی شده و مشخص نیست چه مدلی از این سیستم آشفته سربرخواید آورد و همه این‌ها آیا علائم بروز امراض سخت و بیماری‌های گمنام در سرمایه‌داری است که کشور را به صحنه جنگ مردم با پلیس تبدیل کرده است. هژمونی غالب تا جایی امکان ایستادگی دارد که تعادل سیستم و ثبات را حفظ کند، اما اکنون هر تاثیر بر نظام پولی یورو مسری به کشورهای دیگر خواهد بود، درست است که دموکراسی بستری راحت برای سرمایه‌داری است، اما بعید است مردم ضوابطش را به قیمت پرداخت مالیات حتی برای نفس کشیدن تحمل کنند. یونان نمونه خوبی برای سنجش میزان تحمل اتحادیه اروپاست.

برای تهیه محصولات به فروشگاه اندیشکده مراجعه کنید

[www.irthink.com](http://www.irthink.com)



تلفن مرکز یخش: ۰۹۱۳۵۶۲۵۴۶۳

پست الکترونیکی: [irtt.ir@gmail.com](mailto:irtt.ir@gmail.com)

[www.irthink.com](http://www.irthink.com)

